

رساله

امیر فیض - حقوقدان

راه تاریخی نجات ایران

موقفیت از دروازه موفقیت وارد می شود

- در این تحلیل، موضوعات زیر به تشریح رفته است:
- مقدمه ای برای تمرکز افکار خواننده به اهمیت موضوع
- از معلوم به مجهول
- جنگ سرد بین آمریکا و ایران
- برداشت های متعلقه
- راه نجات از این گرداب مخوف چیست؟
- راه تاریخی نجات
- ارزیابی نیروها در رویداد های اخیر
- نخست نیروی حکومت غاصب
- دوم نیروی منتسب به جنبش خزه ها
- نیروی سوم - نیروی مخالف رژیم
- سند نیروی سوم
- ماهیت نیروی سوم
- رهبران اکثریت تمام عیار کیست؟
- امروز، روز موعود است
- تاثیر تشکیل دولت موقت در حرکت آزادی ایران
- کیفیت برنامه دولت موقت
- تصویبنامه قهرمانان آزادی ایران
- تصویبنامه بیعت با دولت موقت
- تاثیر این تصویب نامه ها در کلیت مبارزه
- یارگیری و کانون های مقاومت در وزارتخانه ها
- نظر خبرگزاری های خارجی دائر به لزوم تشکیل دولت موقت
- گرچه دیر است، ولی تنها راه است.

مقدمه ای برای تقرب افکار - از معلوم به مجهول

آقای اوپاما در سفر به نروژ برای دریافت جایزه صلح اظهار داشت:

«ما بطور جدی علاقه کشورمان را به حمایت از تظاهرات صد هزار نفری که بصورت آرام و بی صدا در خیابان های ایران انجام گرفت اعلام و آنرا تقدیس می کنیم»

خانم کرسنتین امانپور از آقای جان لامبرت دستیار وزارت خارجه آمریکا در مورد اظهارات آقای اوپاما در رابطه با تحولات اخیر ایران پرسید: دستیار وزارت خارجه آمریکا گفت: «ما آنچه در خیابان های تهران روی می دهد نه نادیده می گیریم و نه آرام خواهیم نشست. آمریکا به مردم ایران که مبارزه میکنند و خبرها را به خارج میفرستند احترام می گذارد.»

دستیار وزارت خارجه آمریکا که ملتفت شده بود که نمیتوان در این حال هم مخالفین حکومت و آشوبهای خیابانی علیه رژیم اسلامی را حمایت و تائید کرد و هم مذاکره سیاسی را در سطح دولتها به منظور مسائلی نظیر ابهامات هسته ای و نقش ایران در عراق و افغانستان و بیروت و فلسطین دنبال کرد، بدون اینکه در این خصوص خانم امانپور سوالی را مطرح کند ایشان یعنی دستیار وزارت خارجه آمریکا گفت:

«ما آنقدر توانایی سیاسی داریم که هر دو را باهم انجام بدهیم و هم از آشوبگران حمایت کنیم و هم با دولت ایران درباره موضوعاتی مانند هسته ای و عراق و افغانستان مذاکره نماییم»

یادم آمد که نشریه تیمرمت آمریکایی مطلبی داشت که به حل موضوع نتیجه گیری از اظهارات دستیار وزارت امور خارجه آمریکا کمک می کند، آنرا در سنگرها یافتم.

تیمرمن در نشریه سیاسی خودش راجع به هماهنگی سیاست خارجی آمریکا و انگلستان نوشته است:

«راه حلی که از پیشنهاد های مسئولان سیاست خارجی انگلستان و آمریکا جریان دارد این است که شخصیت هایی عقیده دارند که جمهوری اسلامی را باید در گیرجریان هائی کنند که در صورت تغییر روش، پاداش مهمی که پایان یافتن درگیری ها هست متقابلاً پیشنهاد گردد»

جنگ سرد

مذاکرات بین دو کشور از دوصورت خارج نیست؛ با مذاکرات، در شرائط احترام متقابل و صلح و دوستی و با رعایت ظرفیت های حقوق بین الملل است و با مذاکره در شرائط خصومت بین دو کشور است. حالت دوم هم خود به دو نوع است؛ نوع اول گفتگو همراه با جنگ سرد که تبلیغات علیه کشور و همچنین ایجاد آشوب ها، خرابکاری ها، تجهیز مخالفان و تضيقات بازرگانی و مسافرت های هم جواری است و یا درحالت جنگ مسلحانه است که طرفین درعین ادامه جنگ و کشتار و بمباران سیاق مذاکره برای پایان دادن به جنگ چه بصورت موقت و یا دائم ادامه می دهند.

تحریم های اقتصادی از طرف آمریکا، مسئله امارات و جزائر سه گانه متعلق به ایران، گروگان گیری های آمریکائی ها و متقابلاً ایرانیها از آمریکانیها، شناسائی زهرا رهنوردی همسر موسوی به عنوان سومین مقام برجسته علمی دنیا، (!!) قراردادن ندا آقا سلطان بعنوان یکی از قهرمانان ردیف اول سال ۲۰۰۹ جهان، تخصیص بورس تحصیلی بنام او، دادن لقب شجاع به میرحسین موسوی (!!) تخصیص بودجه های علنی برای

حمایت از آشوبگران و تشکیل جلسات مشاوره و مصاحبه با نمایندگان سران خزه ها و امثال آنها همه و همه از مراتب جنگ سرد بین آمریکا و [جمهوری اسلامی] ایران است.

گرچه جنگ های مسلحانه به وسیله کنوانسیون ژنو قالب گیری شده است که چندان رعایت هم نمی شود ولی جنگهای سرد حتی از همان قالبگیری های بین المللی خالی است. موفقیت کشور ها در جنگ سرد، منوط به شرانط و پیش آمد هاست و چه بسا که به تجربه کشورها و یا نهایتا جنگ واقعی منجر گردد، یکی از ژنرال های آلمانی عقیده ای را ابراز داشته که عملا مورد اجرای کشورها در جنگ سرد است. می گوید معقول نیست کشوری که به دستاوردهای قابل ملاحظه ای رسیده حد خواست های خود را محدود سازد. همین نظریه را آقای کلینتون بهنگام حمله به یوگسلاوی بکار بست و گفت: «ما ابتدا مذاکره می کنیم و اگر بجائی نرسید میرویم تا آخرش»

بنابراین جنگ سرد، را می توان به سیلی تشبیه کرد که معلوم نیست تا چه مدت در مسیر سیل گیرها حرکت کند و بعد چگونه از مسیر قابل کنترل خارج و به خرابی های غیر قابل پیش بینی بیانجامد و از خصوصیات حقوقی جنگ سرد این است که دولت ها واقعا خواستار براندازی رژیم یا حکومت کشور طرف نیستند و بیشتر تمایل دارند که با حفظ مشروعیت حکومت طرف مذاکره مشکلات خود را حل و فصل و به تنظیم قرارداد ها و موافقت نامه ها منجر گردد چرا که میدانند با براندازی حکومت ویا رژیم کشور طرف مذاکره دولت بعدی در تنظیم قرارداد ها و موافقت نامه ها طرف اتهام همکاری با کشور متقابل و فاقد مشروعیت معرفی می گردد.

یکی از دلایلی که جنبش خزه ها مبارزات خود را درچارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و احترام به حاکمیت رژیم قرارداده همین توجه به سیاست کلی در جنگ سرد است که فعلا بین آمریکا و [جمهوری اسلامی] ایران جریان دارد.

دلایل بسیاری گویای این حقیقت است که آمریکا قصد براندازی رژیم اسلامی ایران را ندارد و ترجیح می دهد که با جنگ سرد به خواسته هایش برسد.

در این مورد میتوان به نوشته فاینانشال تایمز استناد کرد که نوشت: «تغییرات دموکراتیک عنوانی است برای جلب حمایت اروپا بی آنکه نامی از تغییر رژیم ایران به میان آید، لندن و واشنگتن بر روی یک استراتژی با هدف ارتقای تغییرات دموکراتیکی در ایران کار می کنند (کیهان لندن ۱۱۰۲)

برداشت های مربوطه

- ۱- آنچه در ایران میگذرد و عنوان آزادیخواهی را یدک می کشد، برمحور جنگ سرد قرار دارد و به هیچوجه ماهیت مبارزه سیاسی اصیل علیه جمهوری اسلامی را ندارد.
- ۲- همانطور که عرض شد، جنگ سرد بین کشورهاودراین مورد آمریکا و ایران غیر قابل کنترل است و چه بسا که تمامیت ارضی کشور هم در این معادله جنگ سرد بکار گرفته شود.

خاتم «رایس» گفت: «صبر آمریکایی ها برای حل استفاده از انرژی اتمی حدی دارد. پایان این حد با اقدامات نظامی همراه نیست ولی ایجاد اغتشاشات داخلی و ایجاد خود مختاری های اقلیت های مذهبی کاری بسیار ساده است» (مشروح در سنگر ۴۲۵+۳۳۲)

- ۳- شواهد تاریخی ونمونه های موجود نشان می دهد همینکه جنگ سرد پایان یافت ویا یکطرف از دنبال کردن آن خودداری نمود، کسانیکه بصورت ستون پنجم آمریکا عمل می کنند فی الجمله همان هائی که از سوی آقای اوباما مورد تقدیس قرار گرفته اند، چنانکه بوش هم در سخنرانی پراگ (اعلیحضرت هم در آن اجلاس حضور داشتند) آنها را تقدیس کرد و گفت: «ما هرگز آنها را که به سرکوب ایرانیان ادامه می دهند نخواهیم بخشید و ما همواره برای آزادی آنها استوار ایستاده ایم» بسان کاغذهای

غیرقابل مصرف درخواهند آمد، اگر از نمونه های جهانی بگذریم، درکشور خودمان نمونه های آذربایجان، کردستان، و قرارداد الجزیره، همافران، حزب توده و فدائیان خلق در مسیر شورش ۵۷ کافی برای صدق عرایض است.

۴- پیروزی آمریکا در این جنگ سرد، حکومت ایران در همین قواره حقوقی جمهوری اسلامی به وسیله رسانه های آمریکا و غرب تبدیل به یک کشور دموکرات و آزاد و پرچمدار صلح و امنیت خاورمیانه گردد و از آن پس دیگر مبارزه با جمهوری اسلامی برای نجات ایران از بختک جمهوری اسلامی غیر ممکن خواهد شد.

راه نجات از این گرداب مخوف چیست؟

راه نجات از این گرداب مخوف که پایانش حتما ممکن است اضمحلال ایران را هم به دنبال داشته باشد، راهی نظری و پیشنهادی نیست، راهی است تاریخی، در زمینه های مشروعیت انحصاری که قرنها مردان ایران به آن توسل جسته اند

این خط جاده ها که به صحرا کشیده اند مردان رفته با قلم پا کشیده اند

اکنون به اتفاق به آن راه قانونی و تاریخی که مشکل گشای تنگنا های کنونی است نگاه می کنیم به امید آنکه به اجرای آن اراده بفرمایند و در این مسئولیت تاریخی و خدائی و ملی راکه بر عهده دارند یکبار دیگر به اهمیت آن توجه نمایند.

ارزیابی نیروهای داخل کشور

در رویداد های اخیر ایران، سه نیرو را بطور مشخص میتوان دید و ارزیابی کرد.

نخست؛ نیروی حکومت غاصب جمهوری اسلامی که از نظر کمی ناچیز و از نظر کیفی بمناسبت امکانات مملکتی قوی است.

دوم؛ نیروی منتسب به جنبش خزه ها که فاقد اصالت و مشروعیت است و نیروی تصویری بحساب می آید و در جامعه ایرانی، نیروی که قادر به جذب مردم باشد نیست.

جنبش خزه ها به مناسبت دورویی در کلام و حمایت از قانون اسلامی جمهوری اسلامی وحتا ولایت فقیه واز سویی حمایت جدی از تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا آنهم تحریم های سفت و سخت و شوک آور و انتظار از آمریکا به حمله نظامی به ایران، مطلقا نیروی به حساب نمی آیند مگر بعنوان عصای دست آمریکانیها. و در اصطلاح سیاسی ستون پنجم آمریکا.

جنبش خزه ها اگر هم یک حالت چسبندگی داشت و خودش را به هرگروه ویا شخصی میچسباند حمایت های خرکی و ناشیانه آمریکا از آنها، حرکت آنها را خشکاند و قادر به چسبندگی به هیچ چیزی نیستند.

دکتر کاظم ودیعی در یک نظریه تحقیقی آورده است:

«ایرانیان با تمام نارضایتی ها که از نظام ولایت فقیه دارند به دخالت بیگانگان تن نمی دهند؛ در انتخابات مجلس دیدیم که شکست اصلاح طلبان ریشه در تمایلات آنها در لاسیدن با بیگانه داشت و فشار نظام آنها را از ادامه کار ممنوع داشت و درحقیقت رژیم برگ غیرت ملی را بازی کرد.»

باری مختصر اینکه دوستی خاله خرسه آمریکانیها جنبش خزه ها را هم خشکاند.

نیروی دیگر؛ نیروی است که دقیقاً مقابل نیروی اول ایستاده و اعتبار کیفی (عددی) آن در حدی است که جانی برای جنبش خزه ها باز نمی کند، بنابراین درحال حاضر در رویداد های اخیر این تنها نیروی قابل توجه و درعین حال معارض وجود دارد یکی نیروی حکومت غاصب و دیگری نیروی مردم.

سند کمی نیروی سوم

دکتر مهدی خزعلی از وابستگان حکومت اسلامی در سایت پرخواننده خود یک نظر سنجی انجام داده و از آنهایی که در ۱۲ فروردین سال ۵۸ (۲۵۱۸) نبودند و یا سن آنها برای رای دادن کافی نبوده، همان سنوآل (جمهوری اسلامی آری یانه) را مطرح کرد؛ نتیجه همه پرسی چنان بود که ۹۶/۲ درصد کسانی که در نظر سنجی شرکت کردند پاسخ «نه» دادند و ۳/۲ درصد (آری) گفتند.

این نظر سنجی در خرداد ماه بعد از انتخابات انجام گردید (کیهان شماره ۱۲۵۲ لندن)

ماهیت نیروی سوم

برای شناخت یک جامعه سیاسی و اجتماعی مراجعه به فرهنگ و باورهای سنتی و دینی و تاریخ و آداب و رسوم آن جامعه لازمه کار است، اینکار از سوی بسیاری از جامعه شناسان نسبت به جامعه ایرانی صورت گرفته است و از جمله مرکز مطالعات ماساچوست آمریکا در یک گزارش تحقیقی از موزائیک اجتماعی و سیاسی ایران، جامعه سیاسی ایران، را چنین معرفی و ماهیت آنرا بازگونی می کند:

«اصول اعتقادی ملت ایران بر دو پایه کاملاً مشخص استوار است؛ یکی سنت کهن پادشاهی و دیگری مذهب تشیع است، مظهر شاهنشاهی ایران شخص پادشاه و مظهر اسلام تشیع مجتهد اعظم وقت است و شخص ویا نیروی سومی در جامعه ایران وجود ندارد»

گزارش مرکز مطالعات ماساچوست، دقیقاً بیان کننده فلسفه تاریخ و فرهنگ ایرانی است و مفهوم وسیع و فراگیر آن این است که بدون وجود رهبر اولاً هیچکس نمی تواند وقادر نیست که خلاء رهبری را جانشین شود و ثانیاً جامعه بدون رهبر فاقد قدرت و اجراست.

ارائه نمونه ویا سند تاریخی در مورد پیوستگی مردم به شاه نیازی نیست که روشن است، ولی این نمونه در مورد رهبری آخوند اعظم بجاست که؛ رفسنجانی در سال ۶۰ خطاب به خمینی و مردم گفت: «اگر همه ما زنده باشیم و شما (مقصودش خمینی است) حمایت نکنید کاری از پیش نمی رود»

اظهارات رفسنجانی مداهنه نبوده و نیست، واقعیت رهبری در تشیع همین است که بدون رهبر هیچ کاری انجام شدنی نیست؛ همین فلسفه دقیقاً در فرهنگ سنتی ایرانیان نیز جاری است و بیان کننده این واقعیت است که بدون رهبری شاه، حمایت شاه، خواست شاه، تحولات اجتماعی ممکن نیست. در همین خارج از کشور صدها سازمان و شخصیت های خوشنام و معروف برای سازماندهی و نجات ایران بسیار هم کوشیدند ولی هیچکس آنها را تحویل نگرفت زیرا، مورد تحویل اعتمادی و اعتباری مردم، شاه است ویا آخوند اعظم که خوشبختانه دومی به سقوطی ابدی دچار شده است.

جامعه شناسان ایرانی عقیده دارند:

«اگر یک هزارم افراد یک جامعه تحت رهبری یک رهبر مصمم وقاطع و موقع شناس علیه حکومت قیام کند حکومت ساقط میشود مشروط بر اینکه آن رهبر زمینه های تاریخی و فرهنگی داشته و آشنای مردم باشد.»

همان فرهنگ و تاریخ و منش ایرانی، انتظارات مردم از شاه را - رفاه، کار، امنیت و پیشرفت و استقلال کشور میدانند و انتظاراتشان از مرجع تقلید، رابط شدن برای بخشیدن گناهان و همانطور که هیچ فردی از شاه انتظار بخشیدن گناهان و رابط شدن با خدا را ندارد، هیچ مذهبی هم انتظار رفاه و پیشرفت و کار و امثال آنها را از آخوند ندارد.

نیروی سومی که از نظر ظرفیت نیروی اول و واقعی ایران امروز است به چیزی که نیاز دارد رفاه و کار و امنیت و آزادی فردی و پیشرفت است و اقلیتی بسیار محدود و از کار افتاده هنوز منتظر بخشیدن گناهان هستند.

این اکثریت قاطع فاقد رهبری هستند، همه مفسرینی که نسبت به جریانات اخیر ایران اظهار نظر کرده اند قاطعانه تایید نموده اند که جنبش فاقد رهبری است. حتا یزدی رهبر نهضت آزادی که از سران جنبش است همین اخیرا گفت که جنبش سبز فاقد رهبری واحد و جمعی است.

روزنامه آمریکایی سانفرانسیسکو کرونیکل هم نوشت:

«میزان نفوذ موسوی و کروبی در مخالفان معلوم نیست؛ و بنظر می رسد که حرکت مخالفان بیشتر نتیجه فعالیت شبکه های انترنتی باشد تا گرفتن کمک از مقام رهبری»^۱

رهبر این اکثریت تمام عیار کیست؟

در قلوب مردم و در باور آنها چه تاریخی و چه احساسی رهبر این اکثریت شاه است.

سیسرون مستشرق معروف با اقتباس از فرهنگ و منش ایرانی به این نتیجه رسیده است که «در بروز مشکلات و دشواریها همه چشم ها به سوی شاه است که چه می گوید تا آن کنند» اعلیحضرت هم در سالهای قبل فرمودند: «در موقع مناسب من خواهم گفت که چه بکنید و چگونه بکنید».

اعلیحضرت در سخنرانی در دانشگاه هاروارد فرمودند:

«از هر زمان دیگر آماده ام که علاقه وافر خود را در ایجاد یک دولت مردمسالار و پایدار برای اولین بار در تاریخ کشور مان جامه عمل بپوشانم»

اعلیحضرت در سال ۷۳ فرمودند:

«ارتش آماده است و از من بیشتر از هر کسی طرفداری میکند ما بانظامیان تماس داریم و میدانیم اگر علامت داده شود آنها آماده هستند»

اعلیحضرت خودشان فرمودند:

«مردم ایران به رژیم سلطنتی ایران چشم دوخته اند و سالهاست که با آن دمساز بوده اند»

^۱ - بسیار جای خرسندی است که برخلاف بسیاری که بکار گیری اینترنت و کامپیوتر را بی مصرف می دانند با تلاش گروهی پراستقامت و پرمکار به یک ابزار مهم مبدل شده است. ح-ک

از بیانات اعلیحضرت است که فرمودند:

«مردم ایران منتظر دستورات باشید در روز موعود در میان شما خواهم بود»

امیر فیض - حقوقدان

امروز روز موعود است

اعلیحضرتا، امروز، روز موعود است، زمان وفای به عهد و ورود به دروازه موفقیت و پیروزی است. از اختیارات و رسالت قانونی و مشروعیت بلامتنازع خود استفاده بفرمائید و تشکیل دولت موقت را با پیامی کوتاه و موجز و قاطع حاوی مراتب حقوقی زیر به اطلاع ملت ایران و جامعه جهانی برسانید.

«ملت ایران،

بنا بر رسالتی که از ۲۵۰۰ سال تاریخ و مشروعیتی که قانون اساسی و حکم و ماموریتی که متمم قانون اساسی برعهده ام نهاده، در این موقعیت حساس کشور تشکیل دولت موقت را لازم و ضروری میدانم و آقای..... را به سمت نخست وزیر و مامور تشکیل دولت مینمایم. امیدوارم به یاری شما مردم و وطن پرست موفق در انجام ماموریت گردم.

دولت موقت، ماموریت دارد که ایران را از موقعیت اسفناک کنونی نجات داده و موجبات تشکیل مجلس موسسان را فراهم نماید.

از خواهران و برادران هم میهنم میخوام که دولت موقت را حمایت و به اجرای دستورات و برنامه های آن کمک کنند.

خدا نگهدار ایران باد

رضا پهلوی»

تأثیر تشکیل دولت موقت در حرکت آزادی ایران

مهمترین تأثیر سریع تشکیل دولت موقت پرکردن خلاء رهبری مردم ایران است که اکثریت قاطع ناراضیان و مخالفین جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد.

یکی از دقیقترین وسیله و ابزار مبارزه مسئله یارگیری است. یارگیری به این معناست که با اقداماتی افراد و ایادی دشمن [جمهوری اسلامی] برای تامین آینده خودشان و مصونیت از تعقیب به نیروی مقابل حکومت یار میگردند.

«بنجامین اولین» سفیر کبیر آمریکا در ایران در کتابش از احوال ما ایرانیان اینطور نوشته است:

«ایرانی ها به ستاره کوره ای که در حال صعود است بیشتر توجه دارند تا خورشیدی که در حال غروب است»

صدها نمونه برای تائید این واقعیت وجود دارد، نزدیکی قره باغی و گرفتن تامین از رژیم خمینی.

رکن اساسی برای تحقق یارگیری، اعتماد به قول و قرار است.

از شخصیت انحصاری شاه که بگذریم، تنها مرجعی که صلاحیت یارگیری داشته و در این کار موفق بوده، دولت منصوب شاه است که عادتاً و بنا برمنش آنان طرف قبول مردم است و قول و قرار هایش گرچه ظاهری باشد

ارجح بر قول و قرار دیگران است. دولت موقت منصوب شاه، همان ستاره ای است که درحال صعود است و ایرانیان بر اطاعت از آن خود را مقید میدانند.

دولت موقت یک شخصیت حقوقی است که به واسطه مشروعیتی که از مقبولیت و مشروعیت شاه دارد نماینده و مظهر تام الاختیار مبارزه علیه رژیم غاصب در چار چوب ماموریتی است که به او محول شده است.

امان نامه های این دولت؛ یارگیری های این دولت؛ قرارومدار های این دولت، بر اساس باورهای ایرانیان محترم و قابل اجراست.

کشور های خارج که راجع به مسائل ایران مانده اند که با چه کسی مذاکره کنند و تا آنجا سرگردان هستند که صریحا میگویند این کمبود حقیقی مبارزه را برخ ما می کشند و ناچار شده اند که با کسانی وارد گفتگو بشوند که ادا به منافع ایران و ملت ایران اهمیتی نمیدهند و اگر میدادند گروگان گیری کارمند سفارت آمریکا نمیکردند. در این جریان است که افت های بیشمار غیر قابل جبران به کشور و ملت وارد خواهد شد.

دولت موقت این خلاء محسوس و جدی را در رابطه با کشور های خارج پر خواهد کرد. و بمناسبت مسئولیتی که دارد حافظ منافع ملت ایران و حفظ استقلال و تمامیت کشور خواهد بود.

خاقانی بیتی دارد که می گوید: «تخم دولت سالها بر امتحان افشانده اند»

یعنی مردم ایران، دولت را می شناسند و بقول و قرار و دستورات احترام می گذارند نه سازمان و جنبش و حزب و غیره.

در فرهنگ عامه ایرانیان، دولت به مفهوم قانون و مجلس و همه ارکان سیاسی و حقوقی کشور است، مصوبات دولت را قانون میدانند و از «حکم دولت» که به معنای قانون مملکتی است نشانگر باور مردم به مشروعیت دولتی است که از شاه فرمان دارد.

بنابراین دولت موقت تنها وسیله یارگیری از دشمن و پرکردن خلاء رهبری و تعیین تکلیف برای ۹۶/۷ درصد مردم ناراضی از جمهوری اسلامی است.

کیفیت و برنامه دولت موقت

اظهار نظر درباره اینکه دولت موقت چگونه شروع خواهد کرد و چه خواهد گفت بادلالت موقت است که با استفاده از کارشناسان مجرب وارد عمل گردد. ولی بعنوان همکاری نه با اصرار قبول، فکر میکنم که شروع کار به ترتیب زیر دوازده اصلت کار نباشد.

۱- دولت موقت با اعلام قبول ماموریت و مسئولیت به اولین اقدامی که مبادرت خواهد کرد اخطار به رژیم غاصب است که حاکمیت را فوراً به مردم بازگرداند

این کار نه از این جهت است که انتظار است که رژیم غاصب به آن اخطار تمکین کند بلکه از جهت افکار عمومی جهانیان است که پایه های مبارزه دولت موقت را مستحکم و به باور های مردم جهان نزدیک میکند.

در همین رابطه کسانی «قدری هم بنده» طرحی را دنبال خواهیم کرد که با اسناد و مدارک ثابت شود که جمهوری اسلامی نمیتواند عضو سازمان ملل متحد باشد، و دولت موقت در صورت مقتضی این طرح را تعقیب و به وسائیل مختلفه به توجه سازمان ملل متحد خواهد رساند.^۲

۲- دولت موقت به صدور و تصویب نامه فوری مبادرت می نماید.

تصویب نامه قهرمانان آزادی ایران

در این تصویبنامه که بادیست و دلبازی کامل تنظیم خواهد شد، امتیازات فوق العاده ای برای آنانکه در راه نجات ایران و کمک به برنامه های دولت موقت فداکاری، همکاری کرده اند و می کنند و خواهند کرد تعلق خواهد گرفت، امتیازات برجسته ای که حقیقتاً شایسته جانبازان و فداکاران راه میهن باشد از تامین آینده آنان و بازماندگان، از تفویض مدالها که به تناسب فداکاری به آنان تخصیص میابد با حقوق و مزایای دائم بنحوی که انصاف و تعلقات میهن پرستانه آنرا کافی بداند.

این تصویبنامه، بیمه مبارزه است در مقابل خطرات جانی و مالی که او افراد تحت تکفل او را ممکن است تهدید کند.

تصویب نامه دوم - بیعت و امان نامه

تصویب نامه دوم که همزمان با تصویبنامه اول صادر میگردد، تصویب نامه بیعت نام خواهد داشت که از مردم ایران، روسای قبایل، عشایر، کارگران، کارمندان، نظامیان، پاسداران، بسیجیان، استادان، دانشجویان، بازاریان به ویژه جوانان می خواهد که با دولت موقت بیعت کنند بعبارت دیگر همکاری و اتحاد و اجرای دستور و برنامه نمایند

در این تصویبنامه مهلت کوتاهی عنوان می شود، این بیعت ها محرمانه تلقی و پس از گذشت مدت اعتباری نخواهد داشت.

تأثیر این تصویب نامه ها در کلیت مبارزه

این تصویب نامه ها تکلیف مبارزه و مبارزین را روشن می کند، تکلیف سران رژیم غاصب را مشخص می کند، تکلیف مردم مخالف با حکومت را روشن می کند، قطب های مشخص مبارزه را روشن می کند؛ هدف از مبارزه را روشن می کند و همه پاسخ هائی که تا کنون شایسته سنوالات بوده داده می شود.

یارگیری و کانون های مقاومت در وزارتخانه ها

تشکیل دولت موقت و صدور و تصویب نامه ها کارمندان دوائر دولتی و شرکتها و کارخانجات و غیره را در جریان یارگیری قرار میدهد و مسئله کم کاری و مخالفت با دولت به مناسبت ظهور دولت موقت و وزیر مسنول آینده براحتی آغاز می شود.

دولت بازرگان (دولت موقتی که به دستور خمینی تشکیل گردید) عاملی بود که یارگیری دروزارت خانه ها علیه وزرا آغاز شد و این برنامه چنان پیشرفت و موفقیت داشت که وزرای کابینه بختیار خدا، خدا میکردند که زودتر

^۲ در نوشته ها استاد امیر فیض و سنگر های پیشین در باره بی اعتبار و ارزش بودن جمهوری اسلامی و غیر قانونی بودن آن چه از نظر اصول و سنت اسلام به استناد تاریخ اسلامی و از جمله به استناد بسیاری از موارد نحوه رای گیری در سال ۵۸ شرح داده شده. اسناد دیگری هست که بی اعتباری رژیم اسلامی را به طور یقین ثابت می کند - ح-ک

کارشان تمام و فرار کنند، دولت موقت بود که سبب گردید کارمندان وزارتخانه ها مانع ورود وزیران دولتی شوند.^۳

دولت موقت بود که کم کاری در سطح تمام وزارتخانه ها و سازمان های دولتی آغاز شد.

پس از تشکیل دولت موقت بود که قره باغی به بازرگان تلفن کرد که کسی را بفرستد که ستاد ارتش را تحویل بگیرد، و بازرگان هم یزدی را فرستاد. (!)

خمینی بدون دولت موقت به هیچوجه موفق نمیشد. دولت موقت بود که خمینی گفت: «مخالفت با دولت موقت، مخالفت با خدا و مستوجب مجازات سنگین است»

دولت موقت بنابراین با مردم که سردمداران رژیم نیز از این باور بدور نیستند حکومت را به لرزاندن می کشد، آنها میدانند که نود درصد مردم مخالفشان هستند ولی چون مردم پایگاهی ندارند آنها از این مخالفت ها وحشتی نمی کنند، ولی وقتی دولت موقت وجود داشته باشد و کار کند و با دنیای آزاد، مردم داخل، عشایر و سازمان های حقوق بشر و بین المللی تماس و فعالیت کند، آنوقت حکومت غاصب و ایادی آن می فهمد که راه چاره فقط کناره گیری از رژیم و نزدیکی به دولت موقت است.

بارها اعلیحضرت از پاسداران خواسته اند که به مردم بپیوندند. این توقع بدون اسباب کار انتظار نادرست است، اسباب کار در این مرحله دولت موقت است؛ که به نمایندگی از شاه که مظهر ملت است جوابگوی توقع اعلیحضرت است.

صدها بار در مصاحبه ها؛ ایرانیان داخل کشور از اعلیحضرت پرسیده اند که شما بگویید که ما به کی بپیوندیم و چه بکنیم. و همواره این پرسش بجا هم بلا جواب مانده است.

دولت موقت به این سوال حقه مردم پاسخ روشنی است که با دولت موقت بیعت کنند و بدستورات او عمل نمایند.

اعلیحضرت بارها و بارها از کشور های آزاد جهان خواستار کمک شده اند و بنا بر فرمایش خودشان کشور های خارجی گفته اند: «آلترناتیو چیست و کجاست و ما چگونه میتوانیم به آن کمک کنیم» خواسته اعلیحضرت از کشور های خارجی چنین عنوان شده است: «جامعه بین المللی به رژیم اسلامی ایران پشت کند و بوضوح نشان بدهد که آنها دیگر به حساب نمی آیند»

آیا نباید یک دولت موقتی در کار باشد که اگر بنا به خواست اعلیحضرت جامعه بین المللی دست رد به جمهوری اسلامی زد، دولت موقت را به حساب آورد؟ آخر مگر نه این است که روابط دول با دولت ها است نه با مردم کشور ها؟! (!)

اعلیحضرت به صراحت فرموده اند: «خارجیان مستاصل شده اند و منتظر یک آلترناتیو می باشند»

دولت موقت همان آلترناتیوی است که خارجیان منتظر ظهور آن هستند.

نظر خبرگزاری های جهان راجع به لزوم دولت موقت

^۳ - یکسال و اندی نزدیک به دوسال پیش از سال ۱۹۷۹ گروهی کارمند و کارگر تازه به برخی ادارات و کارخانه ها وارد شده بودند که اغلب تحت تاثیر آموزشهای علی شریعتی که از طریق استادانی که در مدارس عالی و آموزشگاه ها تدریس می کردند قرار داشتند. برخی نیز از شرکت کنندگان در حسینیه ارشاد بودند که آمادگی داشتند مانع ورود وزیران و کارمندان و کارگران دیگر بشوند. شاید امروز نیازی به چنین عوامل نفوذی نباشد زیرا ناراحتی و نارضایتی بحدی بالا است که کارمند و کارگری که ۱۱ ماه است حقوق نگرفته است به راحتی یار گیری خواهد کرد. ح-ک

اکنون به اتفاق به سراغ اظهار نظر های شخصیت های خارجی می رویم که نسبت به دولت موقت اعلیحضرت انتشار یافته است:

شاهد اول:

۱- گزارشگران تلویزیون ان بی سی NBC هنگامیکه اعلیحضرت در مصاحبه با گزارشگر کانال ان بی سی فرمودند: « مسئولیت یک پادشاه نسبت به ملتش برای ایجاد شق جایگزین نیست به شق خمینی است و ما باید یک سیستم حکومتی مانوس داشته باشیم تا به دنیا ثابت کنیم تا بدانند که میتوانند روی ما حساب کنند.» بلافاصله گزارشگر مزبور در پاسخ اعلیحضرت می گوید: «مگر غیر از این است که چنین دستاوردی از راه تکشیل دولت در تبعید بدست می آید».

شاهد دیگر - آقای شمسون کانال ۷ آمریکا:

۲- از ابتدای تغییر نظر جهان نسبت به جمهوری اسلامی یعنی سالهای ۱۳۸۳ (۲۵۴۳) جهان آزاد در انتظار تشکیل دولت موقت از سوی رضا شاه دوم بوده یک سند و شهادت تاریخی در این باب چنین است: «گزارش مفسر کانال ۷ تلویزیونی لوس آنجلس آقای «شمسون» از جهان خواست که دولت در تبعیدی ایران به رهبری رضا شاه دوم را برسمیت بشناسد»

شاهد دیگر - گزارش تلویزیونی ان بی سی

۳- آقای هرشن مفسر سیاسی شبکه تلویزیونی مزبور در تفسیری که از اوضاع ایران داشت (مورخ دوشنبه شب چهاردهم فوریه ۱۹۸۳ لوس آنجلس) گفت: «ما اشتباه بزرگی مرتکب شدیم که در نتیجه هزاران انسان بی گناه جان خود را از کف دادند و بخاطر چنین سیاست غلطی دنیای امروز بیش از گذشته دردم ریخته است. ممکن است روزی ۴۰ سال دیگر سریال هانی دربارہ ایران بر پرده تلویزیون ها منعکس گردد و بچه ها از والدین خود خواهند پرسید ایالات متحده چه کرد، نقش ما چه بود؟ وظیفه ما به آنها این خواهد بود که بگوئیم: "این بلا ها را ما سر شاه درآوردیم و در اثر سیاست خود به مخالفین این توان را دادیم که قشریون مذهبی بر ایران حاکم شوند و باید به آنها بگوئیم که اغلب آمریکائیان دربارہ آنچه که شاه انجام داده بود گمراه شدند و چاره دیگری برای شاه وجود نداشت"»

بعد از بیان تراژدی و اعتراف تاریخی مفسر مزبور این سنوال را مطرح می کند که حالا چه می توانیم بکنیم؟ همو، پاسخ داده است: «شناختن دولت در تبعید شاه جوان ایران، آنرا به رسمیت بشناسیم. این کار به قدری صحیح و اخلاقی است و این شهامت بقدری از نظر سیاسی دردنیای آشفته امروز مهم است که دولت ما در ۴۰ سال بعد در موضع بهتری قرار میگیرد که مادر آن موقع در ایران چه کردیم»

گرچه دیر است؛ ولی تنها راه است

اعلیحضرتا،

محبوبیت ملی و میهنی دارید، مشروعیت قانونی و تاریخی و دینی هم دارید؛ نارضایتی عمومی مردم ایران را از رژیم غاصب دارید، شبکه های وفادار به سلطنت راهم دارید (بیانات اعلیحضرت) امکانات مالی لازم هم برای شروع مبارزه از سوی ایرانیان داخل تامین شده و می شود (بیانات اعلیحضرت)، مردان لایق و کارآمدی را برای براندازی و اداره ایران را هم دارید (بیانات اعلیحضرت) ارتباط میلیونی با مردم ایران و جهان را هم دارید (بیانات اعلیحضرت) سازندگی تامین رفاه راهم از پسر دارید (مقصودم گزارش وال استریت جورنال است که

نوشت «رضا پهلوی باید بداند تنها نام او به عنوان فرزندمحمد رضا شاه پهلوی که برای مدتی ایران را به محوری از ثبات منطقه تبدیل کرد وکشور خود را به سوی مدرنیته وشکوفائی رهنمود شد یک عامل یاری دهنده است» (کیهان لندن ۱۱۱۰) تحصیلات عالی و شخصیت فردی وتام توام با احترام جهانی را هم دارید، شهرت به آزادیخواهی ودموکراسی هم دارید، زمینه های بسیار مساعد علیه جمهوری اسلامی را هم دارید، جمهوری اسلام منفورترین رژیم های دنیا هم شناخته شده است.

علم واطلاع و تانید هم فرموده اید که «تنها کسی که می تواند امر رهبری را بر عهده بگیرد شما هستید، فرمان تاریخ و هویت ایران را هم در حفظ امانت ۱۵۰۰ ساله سلطنت و استفاده از آنرا در راه نجات ایران را دارید و در مقابل این داشتن های انحصاری و استثنائی که تنها تعلق به اعلیحضرت دارد یک داشتن دیگر هم دارید و آن مسئولیت است؛ مسئولیت سنگین؛ مسئولیتی ایفای تکالیف مقرر در قانون اساسی وسوگندی که یادفرموده اید که همه این مسئولیت ها با تشکیل دولت موقت منتقل به دولت خواهد شد.

گرچه دیر است، بسیار هم دیر است وبه تحقیق ۲۹ سال است که دیر است اما اوضاع حساس داخل و موقعیت بین المللی ایران در این زمان طوری است که می تواند ائتلاف موقعیت های گذشته را تامین کند.

آری گرچه بسیار دیر است ولی تنها راه است.

امیر فیض – حقوقدان



بی‌گمان این فرزندان ایران چشم به راه هستند...

امیر فیض تاریخی